

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۱ فبروری ۲۰۲۵



یونس نگاه

انضباط سیاسی، نقطه قوت ملاحبت الله

ملاحبت الله با تمام بی‌هنری و زشتی‌هایش یک برتری آشکار بر حریفان دارد: انضباط سیاسی. او را که هنوز مخالفان سیاسی انکار می‌کنند، عده‌ای حتی وجود فزیکیش را قبول ندارند و دیگران هرگونه استقلال رأی او را در برابر اوامر استخباراتی و حامیان خارجی‌اش منتفی می‌دانند، با گذشت زمان در میدان عمل، با حاشیه‌راندن حریفان قدرت‌مند و تأکید بر مواضع تند امارتی وجود خود را انکارناپذیر ساخته است. حالا جای شک باقی نیست که ملاحبت‌الله و اطرافیان او صاحب برنامه‌ای برای افغانستان‌اند و در زدوبندهای سیاسی و معاملات استخباراتی بدون برنامه و گوش به فرمان صرف حاضر نمی‌شوند. آنان در میزهای مذاکره و تشنج‌های دیپلماتیک با اجندا حاضر می‌شوند و برای همکاری و حتی فرمان‌بری شرط و شرایط دارند. در وطنی که بیشتر رهبران و قومندان‌ها و سیاست‌مدارانش بی‌نسخه و گوش به فرمان خارجی بار آمده‌اند، این ویژگی ملاحبت‌الله او را فعلاً در میان سیاست‌پیشگان متفاوت ساخته است.

در جامعه فروپاشیده و در حال گذار، انضباط سیاسی بسیار خریدار دارد. نادر خان، داوود خان و حفیظ الله امین در قرن بیستم نمونه‌هایی از آدم‌های مستبد اما در عین حال صاحب برنامه و انضباط سیاسی بودند که قدرت را به‌دست گرفتند و برای شکل‌دهی جامعه با قالب ایدئولوژی یا برنامه ذهنی که داشتند بسیار کوشیدند. نادر خان این شانس را داشت که بعد از حاکمیت کوتاه سه ساله‌اش، نزدیکان او راهش را ادامه دهند و در نتیجه یک دوره طولانی استبداد و ثبات را در تاریخ افغانستان به‌یادگار بگذارند که چند دهه اخیرش با انکشاف نسبی نیز همراه شد. سنت اداری و نهادهای دولتی افغانستان معاصر در آن دوره پنجاه ساله‌ای که با نادر شروع و با داوود پایان یافت، شکل گرفت. داوود خان نیز به دلیل دو دوره حکومت، یکی در نقش صدراعظم و دیگری در نقش رئیس دولت، بیش از یک‌ونیم دهه در افغانستان حکومت کرد و فرصت طولانی برای پی‌گیری آرمان‌های سیاسی‌اش را داشت. حفیظ الله امین یکی دیگر از مستبدان منضبط و صاحب برنامه بود. او مثل داوود خان نسخه‌ای برای افغانستان در ذهن داشت و برای تطبیق آن انضباط و استبداد فوق‌العاده نشان داد. مشهور است که حفیظ الله امین گفته بود برای ساختن افغانستانی که او می‌خواهد اگر یک میلیون نفر

زنده بمانند، کافی خواهد بود. همپازی‌های سیاسی امین، او را پرکار، صاحب برنامه و بسیار بلندپرواز و منضبط تعریف کرده‌اند. استبداد، تکرانی و خشونت جنبه تاریک کارنامه این سیاستمداران بوده است، ولی انضباط سیاسی که آنان برای پیگیری اهداف و برنامه‌های خود نشان داده‌اند برای خیلی از سیاستمداران رشک‌انگیز است.

سال‌های جهاد و دو دهه جمهوری اسلامی، دوران بی‌انضباطی و بی‌برنامگی بود. در این دوران خشونت و استبداد لمپانه با بی‌برنامگی و منفعت‌جویی کوتاه‌بینانه همراه شده بود. کسانی بی‌برنامگی خود را با کلی‌گویی‌های اسلام‌گرایانه می‌پوشاندند و عده‌ای بی‌انضباطی خود را به نام دموکراسی جا می‌زدند. نه رهبران جهادی جز شعارهای عوام‌فربانانه برنامه مدون و طرح مشخصی برای دولت‌داری اسلامی داشتند، و نه آنانی که در جامعه دموکراسی سیاست می‌کردند، در حمایت و ترویج دموکراسی تلاش پایدار و نظام‌مند انجام می‌دادند. اشرف غنی به‌طور مثال با وجود آن‌که تظاهر به انضباط می‌کرد و از برنامه‌های پنج ساله و ده‌ساله و حتی صدساله سخن می‌گفت، اما در عمل سیاستمدار بی‌پرنسیب بود و برای حفظ قدرت به اطرافیان، حریفان و حامیان قدرت‌مندش دایم امتیاز می‌داد. با وجود افکار لیبرالیستی حاضر بود برنامه‌های تعلیمی، انکشافی و سیاسی‌اش را زیر پا کند و به فشارهای حریفان تن دهد، به‌شرط آن‌که خود و چوکی‌اش مصون باشد. او در سال‌های آخر حکومت محکم به ارگ چسبیده بود و می‌گفت این‌جا را از من نگیرید ولی وزارت معارف را طالبانی بسازید، زندانی‌های طالبان را رها کنید، بودیجه ناچیز کشور را به ساختن مدارس طالب‌پرور مصرف کنید، و احتمالاً حاضر بود که قانون اساسی را نیز معامله کند. یکی از طرح‌های مسخره او برای جلب توجه اقبال سنتی، ساختن مسجدی در کابل بود که از همه ولسوالی‌های افغانستان برای اعمارش قرار بود خاک انتقال یابد. طرح سازشکارانه دیگر او ادغام مدرسه و مکتب بود و خام رنگینه حمیدی وزیر معارف او زمانی گفته بود که کودکان باید تا صنف سوم در مسجد درس بخوانند.

اشکال کار اشرف غنی و رنگینه حمیدی و امثال‌شان در فقدان انضباط سیاسی بود. آنان برنامه و دیدگاه روشنی برای آینده افغانستان نداشتند و برای تحقق آن اهداف کار و سازماندهی نمی‌کردند. اگر به فرض در زمان جمهوری کسانی رهبری را به‌دست می‌داشتند که به حق رأی مردم، انتخابات، آزادی بیان، آموزش عمومی و توسعه متوازن چنان پایند می‌بودند که ملاهبت الله به منع تعلیم، بستن دریچه‌های آزادی و بیگانه خواندن انتخابات و قانون اساسی و حق رأی پافشاری دارد؛ آن‌وقت آیا وضعیت طوری دیگری نمی‌شد؟ نیروهای غیرطالبانی و آنانی که خواهان تعلیم، آزادی و نظام دموکراتیک بودند در عدد کمتر از طالبان نبودند، اما آنان سازمان‌دهی سیاسی و رهبری متعهد نداشتند.

نمونه دیگر فاصله میان ملاهبت الله و رقیبانش بر خورد آنان به خانواده است. در سال‌های پایانی جمهوری اسلامی، زمانی که ملاهبت الله اعضای خانواده‌اش را در جنگ با جمهوری اسلامی و دیگر مخالفان طالبان از دست می‌داد و یکی از پسرانش را به حمله انتحاری فرستاده بود، اشرف غنی متهم بود که آرشیف رادیو تلویزیون ملی را به ارگ انتقال داده است تا دخترش بدون خطر و دردسر به آن‌ها دسترسی داشته باشد و پروژه تحقیقی خود را تکمیل کند. عطا محمد نور، محقق، خلیلی، دوستم و دیگران مشغول کمپاین و تبلیغ فرزندان خود بودند. در سال ۲۰۲۰، در یک حادثه غمناک خانوادگی، محمد محقق پسر جوانش را از دست داد، و او مدت طولانی مشغول عزا و تجلیل از فرزندش بود، طوری که به نظر می‌رسید مرگ فرزند بر برنامه‌های سیاسی محقق بشدت سایه انداخته است. آقای محقق در فیسبوک عکس و خاطرات پسرش را نشر می‌کرد و برای او مرثیه می‌نوشت. در جایگاه فرد عادی و کسی که در محیط نورمال زندگی می‌کند، رفتار غنی و محقق با خانواده و فرزندان‌شان موجه‌تر از رفتار ملاهبت الله به‌نظر می‌رسد. ولی جهان سیاست به‌ویژه در افغانستان نورمال نیست، و در آخرین دهه جمهوری اسلامی به سنگر داغ بدل شده بود؛ سنگری که بیداری، انضباط و تلاش شبانه روزی را برای همه طرف‌ها الزامی می‌ساخت.

این بی‌انضباطی و تنبلی بر دیگر نیروهای غیرطالب نیز حاکم شده بود. سازمان‌ها، نهادها و افرادی که خود را در طیف آزادی‌خواهان و حامیان نظام غیرطالبانی می‌خواندند، برای پاسداری از ارزش‌های غیرطالبانی خطر نمی‌کردند و حاضر نبودند که تن به زحمت انضباط و سازمان‌دهی بدهند. در نتیجه موج‌های تحولات آنان را روبید و به چاله‌هایی انداخت که بیرون شدن از آن‌ها آسان نیست.

حالا که ملاحبت الله به‌خاطر سیاست‌های غیرانسانی‌اش انگشت‌نما شده و حتی جلادان و تروریستان همراه او حاضر اند دستان‌شان را به دستار ملاحبت الله پاک کنند، خوب است در کنار بیان هزاران عیب او، این را نیز گوش‌زد کنیم که کسی از میان آدم‌های مطرح سیاسی چون او، امروز برای پی‌گیری «آرمان‌هایش» حاضر به خریدن خطر نیست. نسل نو سیاست‌مداران ما باید از این وضعیت درس بگیرند، و متوجه شوند که اداره کشور چنان آشفته بدون انضباط سیاسی و از خودگذری ممکن نیست. اگر می‌خواهید ملاحبت‌الله و طالبان را شکست دهید، باید در تعقیب آرمان‌های خود استوار باشید و برای ساختن وطنی که دوست دارید، تلاش ورزید.

یادآوری: این نوشته در زنتایمز نیز نشر شده است.